



پیام به جنبش دانشجویی!

گفت و گوی مهندس علی قزاقی با مهندس هاشم مصباحیان

این روزها مجاز گویم که حال گشته و گریه بد
 آنگاه حسین علی عظیمی با مصباحیان از آن
 بهمن ۱۳۲۰ درس های برای جنبش
 دانشجویی در شماره ۲۴ نشریه ذکر
 شد چشم انداز ایران بدان است که به
 بررسی سه نقطه مطلب جنبش
 دانشجویی در شانزده آذر ۱۳۲۲ اول
 بهمن ۱۳۲۰ و هجدهم کر ۱۳۲۸ هر دو
 از جنبش روزی از کمال با واقعه اول بهمن
 ۱۳۲۰ و نقش همین برای مهندس هاشم
 مصباحیان ترغیب شده است. متن این
 بررسی ها در همین شماره در گشته و گریه
 با دکتر مسعود مصباحیان هم آمون این
 واقعه آمده است. در همین راستا نشریه
 چشم انداز ایران گفت و گویی را با
 مهندس هاشم مصباحیان انجام داد که از
 نظر غیر انتظامی مجرم می گذرد.

● ابتدا گفتگر می کنیم از این که
 وقت نحوه راهی می گویید چشم انداز
 ایران با مهندسین ما بود. قصد دارید که
 شما راهی در نظر جوانان و دانشجویان
 چه بود و چطور به بیان عرض می کردید
 شما در آن سال ها دانشجویی سال چهارم
 رشته راه و ساختمان در دانشگاه تهر
 بودید و در سال های ۱۳۲۸ تا ۱۳۲۹ دانشگاه
 به کار می نمود بود و فعالیت داشتید
 در سال ۱۳۲۵ از راه و آن فعالیت ها
 همان طور که آقای دکتر بیخورد می گویید
 نیز در مصباحیان خود با چشم انداز ایران
 در باره واقعه اول بهمن ۱۳۲۰ گفتار
 می کردید شما پیش از جنبش شکل زمان
 جوانان جنبش ملی می بودید، شما اصفا
 سلطانی و مجری می بودید و چه فعالیت
 کلی می می انجامید از شما پرسید که
 سازمان جوانان جنبش ملی چه
 فعالیت های می کرد و نقش این سازمان
 در انقلاب اول بهمن ۱۳۲۰ و
 مصباحیان آن ها در مصباحیان دانشجویان
 چه بود و نسبت به این چه فعالیت ها
 داشتند. ● ابتدا می بینیم شما تشکیک
 می کنید نشریه چشم انداز ایران دو
 میل نشریات دیگر از جایگاه راهبردی
 و ویژه ای برخوردار است و این نقش و
 جایگاه این نهاد است. برای امروز
 نیل جایی آمده است. من معتقدم که
 خوانندگان این نشریه گشته است. اما به
 نویسی مکتوب شده به روز این کار با
 از نگاه مکتوب مطالب انجام شود. ما این
 کار خود خوانندگان یا مطالب نظرات
 گویا گوی می تواند بر ششست سابقه

سیاسی اجتماعی آن فرد. به داوطلب
 بیشترند.

● جنبه ملی دوم در سال ۱۳۲۹
 تشکیل شد نقش و فعالیت دانشجویان
 در شکل گیری این جنبه ملی بود.
 دانشجویان پیش از آن در اجتماع
 اسلامی دانشجویان فعالیت می کردند
 و این فعالیت بیشتر جنبه مذهبی و
 اجتماعی داشت تا سیاسی چرا که پیش
 از سال ۱۳۲۹ مسائل سیاسی دانشجویان
 مطرح نبود. پس از سال ۱۳۲۲ و کشف
 سازمان نظامی حزب توده شاه خفایی
 ایجاد کرده بود. وقتی ما به دانشگاه
 اشاره می کنیم باید بگوییم که دانشگاه
 تهران در آن زمان محور اصلی
 فعالیت های دانشجویی بود. دانشگاه
 امیرکبیر که آن دوران تازه تأسیس شده
 بود. انجمن اسلامی دانشجویان در آن
 دوران فعال بود و همکاری های هم
 با انجمن اسلامی مهندسین داشتند.
 به عنوان نمونه واقعه ای که انجمن
 اسلامی مهندسین بر آیین برنامه
 همیشگی خود که از سال ۱۳۲۲ آغاز
 شده بود. خانگ عظیمی را برگزار می کرد
 انجمن اسلامی دانشجویان همواره در
 برنامه های آنها شرکت می کردند. این
 انجمن به دلیل این که از نظر تشکیلاتی
 فعالیت و کار کرده بود به محض این که
 جنبه ملی دوم تشکیل شده بسیاری از
 اعضای آن از جنبه ملی فعال شدند.
 البته دانشجویان دیگری هم بودند که
 در این جنبه فعالیت داشتند. هرگز
 فعالیت این دانشجویان در دانشگاه تهر
 بود. دلیل آن هم وجود فعالیت
 مهندسین بازرگان در این دانشگاه بود.
 و از آنجا که صاحبان این که در انجمن
 اسلامی دانشجویان بودند می توان از
 مزاج خود کلمه رضایت عباس گیبانی
 ابوالحسن بنی صدره محمد نوسلی
 محمد یعقوب خزانه، سید محمدحسن و
 ابوالفضل حکیمی نام برد که از فعالان
 انجمن اسلامی و همچنین جنبه ملی
 به شمار می رفتند. از خانم ها هم
 می توانیم از زولیده انگنبری (مروزر)
 و نهاد داوطلب نام ببریم.

جبهه ملی در سال ۱۳۳۹ دو پایگاه عمده داشته نخست دانشگاه و دیگری بازار بود. پایگاه‌های دیگر همچون پایگاه ورزشکاران بعدها به جبهه ملی پیوستند. پس از آن هم سازمان جوانان جبهه ملی تشکیل شد چرا که دانش آموزان در این جبهه فعال بودند. کمیته جبهه ملی دانشگاه نیز تشکیل شد. این کمیته از هر دانش‌کلمه‌ای یک نماینده داشتند. این نمایندگان آقای دکتر ساسی، دکتر کوشی، شیخی، ابوالفضل حکیمی و اینچنین بودیم و لوگشکده علوم آقای ابوالفضل حکیمی بود این کمیته حرکت جبهه ملی را سرایت بخشید در خیابان فخرآباد سنلی را فر اختیار جبهه ملی گذاشتند و جبهه ملی نظر تشکیلات خود را در آنجا قرار داد که به خانه ۱۳۳ معروف شد. البته آقای دکتر شیخی را قبلاً دستگیر کرده بودند، چرا که ایشان بسیار فعال بودی عمده فعالیت خود را در دانشگاه پزشکی و فنی انجام می داد. دانشگاه فنی مرکزیت فعالیت را داشته به دلیل این که تعداد بسیاری از دانشجویان این دانشگاه عضو جبهه ملی بودند و دیگر این که هسته اصلی انجمن اسلامی دانشجویان در دانشگاه فنی متراکز بود. در سال ۱۳۳۹ جوالی ماهی آخر یا دی، شب قبل از یکی از میتینگ‌هایی که من خواست در خانه ۱۳۳ برگزار نمود پنج نفر از کمیته مرکزی جبهه ملی را دستگیر کردند. این پنج نفر شامل آقایان احمد سلامتیان، حقیقی، کیهانی و شهبانی و اینچنین می شد و دانشجویان برای آزادی ما نیز در دانشگاه ادبیات دانشگاه تهران تحصن کردند. پس از آن ما آزاد شدیم ولی آقای شهبانی را آزاد نکردند. من یکبار دیگر در سال ۱۳۳۰ نیز دستگیر شدم. در زمان دستگیری ما را به زندان قزل قلعه بردند قزل قلعه تنها زندان سیاسی آن دوران بود. این زندان در آن دوران شهر را در محاصره بود.

چرا که تحصن دانشگاه نیز موجود است (در اعتراض به دستگیری ما) صفای دیگر را هم دستگیر کردند و به این زندان آوردند در آن دوران آقای دکتر فرهاد رفیعی دانشگاه پزشکی بود که بعدها هم رفیعی دانشگاه تهران شد. جسی از ما هم از آزادی او زندان مرده آقای دکتر فرهاد رفیعی، لازم به ذکر است که ایشان از شخصیت‌های دانشگاهی خوب و سحرآمیز بودند و از وی پرسیدیم که دکتر شیخی را برای چه آزاد نکردند ایشان در جواب گفت که اتفاقاً من نیز بسیار علاقه‌مندیم که دکتر شیخی را آزاد نمایم. دکتر شیخی چندین سال بود که سالن اجزا دانشگاه پزشکی خود را به دلیل رفتن به رفقان‌های مگرر به تأخیر انداخته بود.

حزب تارخین جبهی
دانشجویان بر سال ۶۰

در ششم فروردین سال ۱۳۳۰ آیت‌الله بروجردی به رحمت خدا رفتند. ما گروه‌هایی از جبهه ملی که عضو انجمن اسلامی دانشجویان نیز بودیم به جبهه ملی فشار آوردیم تا جبهه برای فوت آیت‌الله بروجردی مراسم بگذارد. چرا که آیت‌الله بروجردی مرجع مراجع آن دوره بود و مراسم زیادی برای فوت ایشان برگزار شد. جبهه ملی موفقیت کرد لذا انجمن اسلامی دانشجویان تصمیم گرفت که از طرف دانشگاه مراسمی برای چهارم آیت‌الله بروجردی برگزار کند و این موضوع مطرح شد و هیئت مدیره انجمن اسلامی دانشجویان تصویب کرد و عده‌ای از دانشجویان جبهه ملی نیز این حرکت را تأیید کردند و با ما همراه شدند و همه به قم رفتیم. از نظر من این اولین پیوندی بود که دانشجویان توانستند با روحانیون برقرار کنند. در این مراسم مردم قم به تدریج به صف دانشجویان پیوستند و شهر قم به تعطیلی کشیده شد و تبدیل به یک تظاهرات اعتراضی عظیم و منظم شد خود این حرکت

تبدیل به انگیزه‌هایی برای دانشجویان شد. در گذشته شاخه‌هایی در دوره چنین حرکت اجتماعی وجود نداشت و پس از آن مردم هم با علاقه بیشتری در چنین تظاهرات شرکت می کردند. جبهه ملی وقتی مطابقت کرد که پایگاه موفقی در میان دانشجوین دارد تصمیم گرفت که هفتن آموزش را هم بشمارند و به سایرین سازمان‌های هم به نام سازمان جوانان جبهه ملی تشکیل شد که شورای مرکزی مسئولیت این سازمان را به عهده دکتر مسعود حاجاری گذاشتند. ایشان هم کمی از جوانان فعال آن دوره را جمع آوری کرد که عبارت بودند از آقایان شیروانی و حسین زلفه، احمد سلامتیان، علی اشرف چهارانگی و اینچنین. این سازمان نیز در توزیع اعلامیه‌های جبهه ملی و شرکت در جلسات عمومی نقش فعال داشت.

با این دانش آموزان فعالیت ما هم خوب انجام می دادند که تمام فکر سازمانی برای آزادی دانش‌آموزان را در دست گرفتند و با هم فعالیت می کردند. جبهه ملی متوجه شد که باید رویکردی در جوانان داشته باشد و دانشگاهها بیشتر کار و فعالیت‌های سیاسی جبهه ملی را انجام می دادند و در جاسات، بهره‌مندی کم کم دانش آموزان نیز حضور یافتند. در آن دوران کسانی که می خواستند فعالیت سیاسی بکنند اما نمی خواستند عضو حزب شوند، در جبهه ملی جبهه ملی در می آمدند. جبهه ملی دوم در مهر دوساله خود انجمن فعالیت تشکیلاتی نکرد و این دانشجویان بودند که از خود جوشش و جنبششان نشان دادند و جبهه ملی را به فکر سازماندهی انداختند.

جبهه ملی با موفقی در میان دانشجوین دارد تصمیم گرفت که هفتن آموزش را هم بشمارند و به سایرین سازمان‌های هم به نام سازمان جوانان جبهه ملی تشکیل شد که شورای مرکزی مسئولیت این سازمان را به عهده دکتر مسعود حاجاری گذاشتند. ایشان هم کمی از جوانان فعال آن دوره را جمع آوری کرد که عبارت بودند از آقایان شیروانی و حسین زلفه، احمد سلامتیان، علی اشرف چهارانگی و اینچنین. این سازمان نیز در توزیع اعلامیه‌های جبهه ملی و شرکت در جلسات عمومی نقش فعال داشت.

با این دانش آموزان فعالیت ما هم خوب انجام می دادند که تمام فکر سازمانی برای آزادی دانش‌آموزان را در دست گرفتند و با هم فعالیت می کردند. جبهه ملی متوجه شد که باید رویکردی در جوانان داشته باشد و دانشگاهها بیشتر کار و فعالیت‌های سیاسی جبهه ملی را انجام می دادند و در جاسات، بهره‌مندی کم کم دانش آموزان نیز حضور یافتند. در آن دوران کسانی که می خواستند فعالیت سیاسی بکنند اما نمی خواستند عضو حزب شوند، در جبهه ملی جبهه ملی در می آمدند. جبهه ملی دوم در مهر دوساله خود انجمن فعالیت تشکیلاتی نکرد و این دانشجویان بودند که از خود جوشش و جنبششان نشان دادند و جبهه ملی را به فکر سازماندهی انداختند.



به محض این که جبهه ملی دوم تشکیل شد، بسیاری از اعضای آن بر جبهه ملی فعال شدند، البته دانشجوین دیگری هم بودند که در این جبهه فعالیت داشتند. مرکزیت فعالیت این دانشجویان در دانشگاه فنی بود. بعضی معتمدین بزرگان در این دانشگاه بود و از آن‌ها صاحب نامی که در انجمن اسلامی دانشجویان بودند می توان از مرحوم کاظم ساسی، علیس شیخیانی، ابوالحسن فنی صبی، محمد تقی بیلی، محمد بزاق، محمد مصطفی و ابوالفضل حکیمی نام برد که از فعالان انجمن اسلامی و همچنین جبهه ملی به شمار می رفتند. از خانم‌ها هم می توانیم از پروانه استگندری (مروسی) و هما دارایی نام ببریم.



این گونه نبود که اکثریت جبهه ملی جزو لئووال ها و مالکین باشند. ممکن است یکی دو نفر از اعضای جبهه ملی زمین دار بوده باشند و آن نیز نظر هم ضربه دیده باشند، ولی این جو غالب سران جبهه آن روز نبود. سران جبهه ملی آن دور همچون الکهار صالح، دکتر سنجابی و مهندس حسینی زندانی های بسیار متداعی داشتند و از نظر من آنها بر آنست قاضی بود که آن روزها بیشتر چپی ها و توده ای ها از این مسئله داشتند و آن را اتفاق می کردند، اما هیچ گاه کسی نمی توانست عضو یا ساکنانی از جبهه ملی آن روز را نام ببرد که از زمین داران و مالکین بزرگ باشند.

با واقع این درگیری از احوال مردم بود که ما این دوران به جبهه ملی که دانشجو بودیم آنچنان از این شرایط آگاهی داشتیم، ولی وقتی که من در سیم را تمام کردیم و به بزرگسالی رسیدیم جدی بزی کردیم با این وجود بیکی است نتوانیم پروا داشته باشیم کاملاً صحیحی از آن کنیم. اما به طور کلی جمع بندی آن دوران این بود که اموری می خواست با قیام مبارزه کنیم و با چوونی به خاطر آزادی می جنگیم. چنانچه حاصل جریان دیمت لوم را در این دوره بسته بودیم. جبهه ملی با اموری آنچنان روابط خوبی نداشت اما این دلیل نمی شود که بگوییم جبهه ملی چون با اموری روابط خوبی نداشت پس با دیگر روابط خوبی نداشت. است و دلیل دلخیز جبهه ملی این بود که با اموری رابطه خوبی نداشت. باشد، اما نهضت اموری که از سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۳ شیب بود و ما هم عضو آن بودیم. مبارزه اموری را با دلیل این که جبهه ملی بود می فهمیم. اموری در حقیقت به این منجر می شود که به طور غیر مستقیم آب در آسیاب دربار ریخته شود. راست نمی دانستیم البته این به معنی این بود که اموری به جبهه ملی نداشتیم. اموری را در این مقطع تاریخی صحیح می دانستیم.

باید از طور کلی امر فکری که در آن می گردید آنست که مخالفت با اموری جبهه ملی به این دلیل بود که اموری امثالهاست و از همین جهت بود که دولت محرم بران زاده بود و جبهه ملی از اعضای این جبهه جزو مالکین زمینداران بودند و این اصلاحات را به آنان عرضه می نمودیم.

آنوقت متفکران این مشکل جزو شایستگی و اشتباهات آن دوران بود. این مشکل نیز آن دوران من شده اما باید گفت که این گونه نبود که اکثریت جبهه ملی جزو لئووال ها و مالکین باشند. ممکن است یکی دو نفر از اعضای جبهه ملی زمین دار بوده باشند و از این نظر هم ضربه دیده باشند ولی این جو غالب سران جبهه آن روزها بیشتر چپی ها و توده ای ها از این مسئله داشتند و آن را اتفاق می کردند، اما هیچ گاه کسی نمی توانست عضو یا ساکنانی از جبهه ملی آن روز را نام ببرد که از زمین داران و مالکین بزرگ باشند.

نویسنده میران، جبهه ملی، آن دوره همچون الکهار صالح، دکتر سنجابی و مهندس حسینی زندانی های بسیار ساده ای شناخته و از نظر من آنها بر آنست چپی بود که آن روزها بیشتر چپی ها بودند. اما این دلیل نمی شود که بگوییم جبهه ملی چون با اموری روابط خوبی نداشت پس با دیگر روابط خوبی نداشت. است و دلیل دلخیز جبهه ملی این بود که با اموری رابطه خوبی نداشت. باشد، اما نهضت اموری که از سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۳ شیب بود و ما هم عضو آن بودیم. مبارزه اموری را با دلیل این که جبهه ملی بود می فهمیم. اموری در حقیقت به این منجر می شود که به طور غیر مستقیم آب در آسیاب دربار ریخته شود. راست نمی دانستیم البته این به معنی این بود که اموری به جبهه ملی نداشتیم. اموری را در این مقطع تاریخی صحیح می دانستیم.

باید از طور کلی امر فکری که در آن می گردید آنست که مخالفت با اموری جبهه ملی به این دلیل بود که اموری امثالهاست و از همین جهت بود که دولت محرم بران زاده بود و جبهه ملی از اعضای این جبهه جزو مالکین زمینداران بودند و این اصلاحات را به آنان عرضه می نمودیم.

آنوقت متفکران این مشکل جزو شایستگی و اشتباهات آن دوران بود. این مشکل نیز آن دوران من شده اما باید گفت که این گونه نبود که اکثریت جبهه ملی جزو لئووال ها و مالکین باشند. ممکن است یکی دو نفر از اعضای جبهه ملی زمین دار بوده باشند و از این نظر هم ضربه دیده باشند ولی این جو غالب سران جبهه آن روزها بیشتر چپی ها و توده ای ها از این مسئله داشتند و آن را اتفاق می کردند، اما هیچ گاه کسی نمی توانست عضو یا ساکنانی از جبهه ملی آن روز را نام ببرد که از زمین داران و مالکین بزرگ باشند.

همه در باره کنگره درگیری داشتند و این نشان من بود که متأسفانه منابع ملی برای بعضی از آنان در درجه اول اهمیت قرار داشتند و تبلیغ گروهی در درجه اول اهمیت بود و همین دلیل نیز باعث شکست و از دست دادن بارگله های آنان شد.

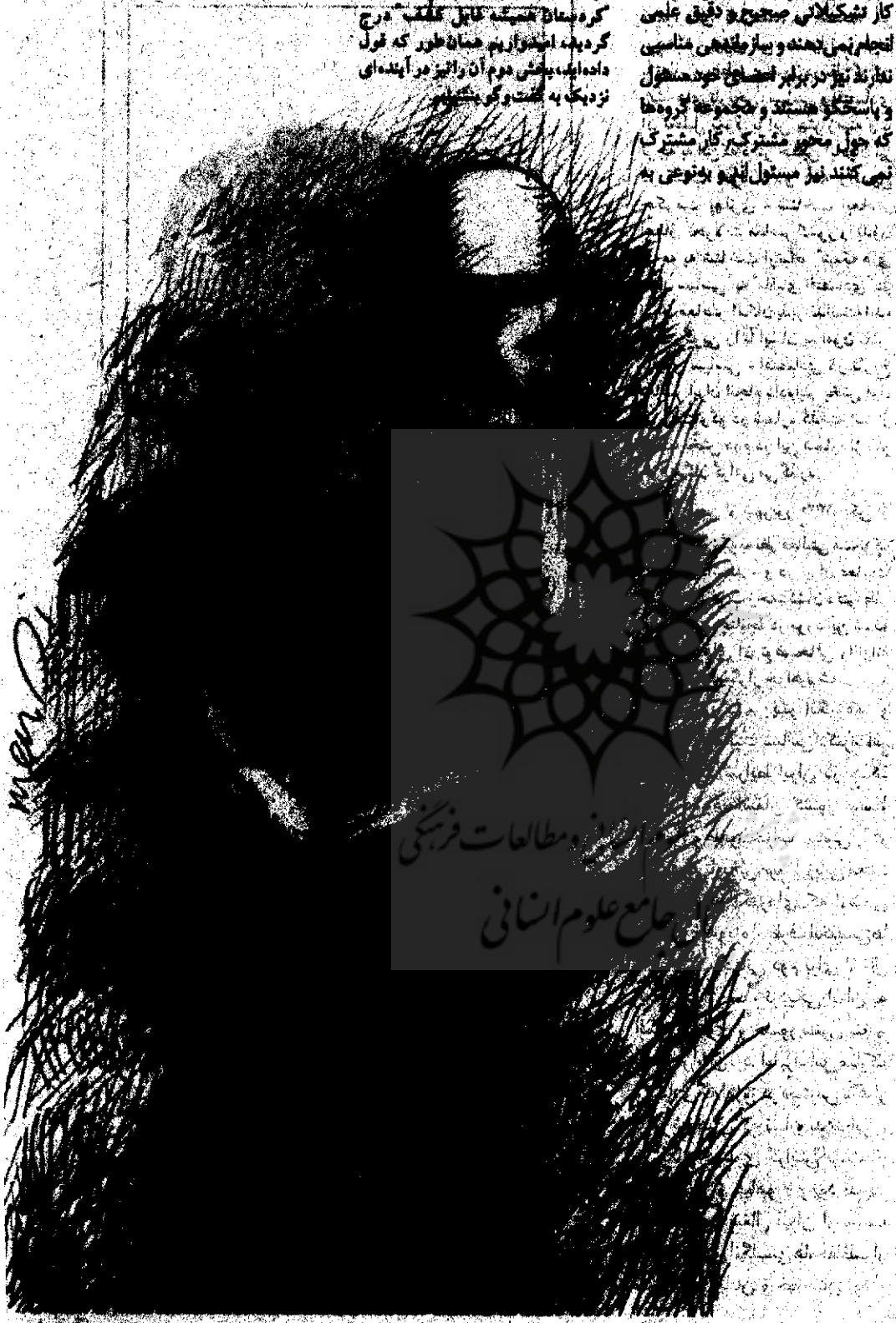
آنوقت متفکران این مشکل جزو شایستگی و اشتباهات آن دوران بود. این مشکل نیز آن دوران من شده اما باید گفت که این گونه نبود که اکثریت جبهه ملی جزو لئووال ها و مالکین باشند. ممکن است یکی دو نفر از اعضای جبهه ملی زمین دار بوده باشند و از این نظر هم ضربه دیده باشند ولی این جو غالب سران جبهه آن روزها بیشتر چپی ها و توده ای ها از این مسئله داشتند و آن را اتفاق می کردند، اما هیچ گاه کسی نمی توانست عضو یا ساکنانی از جبهه ملی آن روز را نام ببرد که از زمین داران و مالکین بزرگ باشند.

آنوقت متفکران این مشکل جزو شایستگی و اشتباهات آن دوران بود. این مشکل نیز آن دوران من شده اما باید گفت که این گونه نبود که اکثریت جبهه ملی جزو لئووال ها و مالکین باشند. ممکن است یکی دو نفر از اعضای جبهه ملی زمین دار بوده باشند و از این نظر هم ضربه دیده باشند ولی این جو غالب سران جبهه آن روزها بیشتر چپی ها و توده ای ها از این مسئله داشتند و آن را اتفاق می کردند، اما هیچ گاه کسی نمی توانست عضو یا ساکنانی از جبهه ملی آن روز را نام ببرد که از زمین داران و مالکین بزرگ باشند.

منافع ملی را بکسب خود را
تاریخ باید پاسخ احوال خود را بدهد.
چنانچه بحث اول تجربیات شما در
کردستان، در ویژه نامه چشم انداز ایران
گروه سواد همسنگه قابل تکیه درج
گردید، امیدواریم همانا طور که قول
داده ایم، پیش دوم آن را نیز در آینده ای
نزدیک به گفت و گو بکنیم.

فکر می‌کنم جوانان که وقت خود را
در جمعیت خودمختاری بگذرانند، این برکت
فرزاد در برابر اجتماع مسئول و پایبندگو
خواهند بود. گروه‌ها و تشکیلاتی که
کار تشکیلاتی صحیح و دقیق علمی
انجام نمی‌دهند و نیازهایی مناسب
نظارت نیز در برابر اعضای خود مسئول
و پاسخگو نیستند و حکومت گروه‌ها
که حول محور مشترک کار مشترک
نمی‌کنند، نیز مسئول نیروی انسانی به

مختلف یا شکست‌خورده رو به رو شدیم. این
بود که انسان‌ها این به معنای واقعی که
تاریخیم. بکار انسان باید بتواند روی
پاهای خود بایستد و صاحب نظر باشد
و کور کورانه تسلیم به منافع گروهی
نشود. قرآن هر چه می‌خواهد می‌گوید
که اگر فردی در انسان‌ها تمیز کننده
سرنوشت کل انسان‌ها تغییر می‌کند.
(رعد: ۱۱) اولین کاری که باید نسل
امروز بکند این است که در نظر داشته
باشد کل فردی را در چنانچه ندارد در
نسل امروز عدم دوستی به گروه‌ها
جانشان است و آن را شیطان خود قرار
داده‌اند و برای خود عدم دوستی به
گروه‌ها را یک نوع خصالت مثبت و
نقطه قوت می‌دانند. در صورتی که فرد
اگر با اولین اطلاعات را داشته باشد
اما هویت اجتماعی نداشته باشد،
نمی‌تواند تأثیر مثبتی در جامعه
بگذارد. افراد باید سعی کنند که هویت
اجتماعی پیدا کنند تا برای جامعه مفید
واقع شوند. حال این هویت اجتماعی
را می‌توانند از هر گروه و سازمان و
انجمنی که تشخیص دادند مناسب
است. کسی نمی‌تواند تأثیر کار
تشکیلاتی قابل مقایسه با کار فردی
نیست. یکی از مهم‌ترین دلایل
شکست گروه‌های ما کمبود کار
تشکیلاتی بود.
مسئله دیگر سعه صدر داشتن
جوانان می‌باشد. یعنی گروه‌ها اگر
بمقتول لازم را داشته باشند و کار
تشکیلاتی هم بکنند باید هماهنگی
لازم را داشته باشند تا بتوانند حول
محورهای مشترک کار مشترک
انجام دهند. البته من نمی‌خواهم
بگویم که در یک جنبه مشترک قرار
بگیرند بلکه حتماً که معضل
اجتماع را در نظر بگیرند یعنی اگر یک
معضل مشترک وجود دارد و همه روی
آن اتفاق نظر دارند، پس از اختلافات
خود را کنار بگذارند و کار جمعی و
مشترک انجام دهند. این گونه اقدامات
می‌تواند سرنوشت جامعه ما را تغییر
دهد و منافع ملی ما را زمین نکند. من



مطالعات فرهنگی
جامع علوم انسانی

مهری